

شقیق بلخی

403 - 401

people: a history, Cambridge 2003; Ilan Pappé, *A history of modern Palestine: one land, two peoples*, Cambridge 2004.

/ محمد مالکی /

شقیق بلخی، ابوعلی آزدی، از صوفیان نامدار خراسان در قرن دوم، او را نخستین کسی دانسته‌اند که در خراسان دربارهٔ مراحل و منازل سیر معنوی به سوی خدا و مقام توکل سخن گفت (س سلمی، ص ۶۱؛ صفی‌الدین بلخی، ص ۱۲۹؛ شقیق بلخی، مقدمهٔ نوینا، ص ۱۰۷).

شقیق از اهالی بلخ و نام پدرش ابراهیم بود (سلمی، همانجا). او در آغاز تجارت می‌کرد و بسیار توانگر بود؛ چنان‌که به گفتهٔ نواده‌اش علی‌بن محمدبن شقیق، سیصد قریه داشت (ابونعیم اصفهانی، ج ۸، ص ۵۹؛ ابن جوزی، ۱۳۸۹-۱۳۹۳، ج ۴، ص ۱۵۹). در منابع حکایات مختلفی دربارهٔ سبب توبهٔ شقیق و بیداری و تنبه او آمده‌است (ابونعیم اصفهانی، همانجا؛ هنجویی، ص ۱۷۰-۱۷۱؛ عطار، ص ۲۳۲-۲۳۳).

بر اساس حکایتی که دربارهٔ سؤال شقیق از امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ معنای فتوت آمده‌است و پاسخ امام به این سؤال (س قشیری، ص ۲۳۰)، به نظر می‌رسد که شقیق اهل فتوت* نیز بوده، به‌ویژه آنکه به گزارش منابع، مردی غازی و جنگجو بوده‌است (س همان، ص ۳۹۸؛ ذهبی، ج ۹، ص ۳۱۴) و جنبشهای فتیان نیز غالباً جنبهٔ مسلحانه داشته‌اند. به این ترتیب، بعید نیست که شقیق از فتیانی بوده که علاوه بر نبرد با متجاوزان به تصوف نیز روی آورده‌است (س ذهبی، همانجا). او به تحصیل علوم دینی نیز پرداخته و به گفتهٔ خودش شاگرد ۱۷۰۰ استاد بوده‌است (س عطار، ص ۲۳۲؛ خوانساری، ج ۴، ص ۱۰۶). مهم‌ترین شیخ وی در طریقت، ابراهیم بن ادهم* بود (س سلمی، همانجا؛ انصاری، ص ۸۶). از دیگر استادان وی در طریقت عبدالعزیز زوّاد، وهیب بن الورد، سفیان ثوری*، ورقاء و یحیی بن سعید انصاری* بوده‌اند (س صفی‌الدین بلخی، ص ۱۲۹-۱۳۸). از استادانش در فقه و حدیث می‌توان به ابوحنیفه*، اسرائیل بن یونس، عبّادبن کثیر (س ابن شاکر کتبی، ج ۲، ص ۱۰۵؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۳، ص ۱۵۱)، قاضی ابویوسف انصاری* و زقّرن هذیل* (انصاری، ص ۸۷؛ صفی‌الدین بلخی، ص ۱۳۸؛ جامی، ص ۴۶) اشاره کرد. گفته‌اند که شقیق ابتدا بر مذهب اصحاب رأی (حنفی) بود و بعدها در جرگهٔ اصحاب حدیث (حنبلی) درآمد (س انصاری، ص ۸۶؛ جامی، همانجا).

از سنت و میراث ملت عرب باشد، می‌تواند با تمام خواسته‌های ملی‌گرایانهٔ جهان عرب همخوانی داشته باشد و جامعه‌ای مرفه، شایسته‌مدار و عدالت‌محور را پایه‌ریزی کند (س ج ۳، ص ۲۷۳۱-۲۷۴۵). او همچنین با تشکیل اتحادیهٔ فدرال بین کشورهای عربی مخالفت می‌کرد. به باور وی، نظام فدرالی برای کشورهای مناسب است که از اقوام و نژادهای مختلف تشکیل شده باشند (س ج ۳، ص ۲۵۹۰). از دیدگاه شقیری (ج ۴، ص ۳۲۶۵-۳۲۶۸)، اتحادیهٔ عرب نیز قادر به ایجاد وحدت در بین کشورهای عربی و برآوردن مشکلات آنها نیست؛ اتحادیهٔ عرب باید صیانت از حاکمیت و امنیت ملت عرب و پاسداری از سنت و میراث را برعهده گیرد و برای همبستگی عربی بر اساس اصول ملی‌گرایانه و تضمین عدالت اجتماعی و حقوق مدنی تلاش کند.

مهم‌ترین آثار به‌جامانده از شقیری عبارت‌اند از: من القدس إلی واشتظن (عکبا ۱۹۴۷)؛ قضایا عربیه؛ دفاعاً عن فلسطین و الجزائر (بیروت ۱۹۶۲)؛ فلسطین علی منبر الأمم المتحدة (بیروت ۱۹۶۵)؛ مشروع الدولة العربیة المتحدة (بیروت ۱۹۶۷)؛ حوار و أسرار مع الملوك والرؤساء (بیروت ۱۹۷۰)؛ اربعون عاماً فی الحیاة السیاسیة (بیروت ۱۹۶۹)؛ من القیمّة إلی الهزیمة مع الملوك والرؤساء (بیروت ۱۹۷۰)؛ شقیری، ج ۱، مقدمهٔ خیره قاسمیه، ص ۲۰-۲۴؛ صالح زهرالدین، ص ۴۶-۴۷؛ موسوعة السیاسة، همانجا).

منابع: حمزه بزقاری، «منظور احمد الشقیری للوحدة العربیة»، در احمد الشقیری؛ بمناسبة الذکری الخامسة والعشیرین لرحیله، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۲۰۰۵؛ بیان حوت، «شخصیة احمد الشقیری»، در همان؛ شقیق حوت، «دور احمد الشقیری الفکری و السیاسی فی النضال الوطنی الفلستانی»، در همان؛ احمد شقیری، الاعمال الکاملة، بیروت ۲۰۰۶؛ صالح زهرالدین، موسوعة رجالات من بلادالعرب، بیروت ۲۰۰۱؛ عون فرسخ، «خصائص و سمات مواقف النظم العربیة»، در ماذا بعد انھیار عملیة التسویة السلمیة؟، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۲۰۰۴؛ سمیح فرسون، فلسطین و الفلستانیون، ترجمة عطا عبدالوهاب، بیروت ۲۰۰۳؛ فلسطین: تاریخها و قضیاتها، ج ۴، قبرس: مؤسسة الدراسات الفلستانیة، ۱۹۸۳؛ خیره قاسمیه، «المذکرات و السیر الذاتیة الفلستانیة»، در الموسوعة الفلستانیة، قسم ۲، ج ۳، بیروت: هیئة الموسوعة الفلستانیة، ۱۹۹۰؛ محسن محمد صالح، فلسطین: دراسات منهجیة فی القضیة الفلستانیة، جیزه، مصر ۲۰۰۲/۱۴۲۴؛ محمد عمر حماده، موسوعة اعلام فلسطین، دمشق ۲۰۰۰/۱۴۲۱؛ موسوعة السیاسة، چاپ عبدالوهاب کبالی، بیروت: الموسسة العربیة للدراسات و النشر، ۱۹۷۹-۱۹۹۴؛

Baruch Kimmerling and Joel S. Migdal, *The Palestinian*